

تأثیر اقدامات ترمیمی پلیس در پیشگیری اجتماعی از جرم با نقش میانجی اعتمادسازی (مورد مطالعه: کلانتری‌های استان قم)

تاریخ پذیرش: 1397/10/23

تاریخ دریافت: 1397/08/05

میاد درویشی،¹ عبدالرحمن میرزاخانی²

از صفحه 51 تا 74

چکیده

زمینه و هدف: عدالت ترمیمی پاسخ و واکنشی است به بزه که بر ترمیم و جبران خسارت‌های بزه‌دیده تأکید و تمرکز داشته و بزه‌کار را نسبت به آسیب و خساراتی که بوجود آورده مسئولیت‌پذیر می‌نماید. برای تحقق چنین رویکردی، توجه به متغیرهای تأثیرگذار بر ارتقاء اقدامات ترمیمی پلیس ضروری است. لذا هدف از انجام این پژوهش، شناسایی میزان تأثیر اقدامات ترمیمی پلیس بر پیشگیری اجتماعی از جرم با نقش میانجی اعتمادسازی می‌باشد.

روش‌شناسی: روش تحقیق حاضر از نظر داده‌ها کمی و از نظر اهداف کاربردی و از نظر ماهیت، مطالعه‌ی همبستگی است. جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر را مدیران فرماندهی انتظامی استان قم تشکیل می‌دهند. حجم نمونه و روش نمونه‌گیری بر اساس روش نمونه‌گیری طبقه‌ای و تصادفی ساده و با استفاده از فرمول کوکران، تعداد 110 نفر تعیین گردید. برای اندازه‌گیری شاخص‌ها از پرسش‌نامه 61 سوالی محقق ساخته بر اساس مبانی نظری استفاده شد. اعتبار ابزار به وسیله‌ی آلفای کرونباخ 0/91 محاسبه و برای بررسی روایی کل مؤلفه‌های این پرسش‌نامه ابتدا از روش صوری و سپس از روش تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. برای آزمون فرضیه‌ها از آزمون‌های میانگین و مدل معادلات ساختاری در بسته‌ی نرم‌افزاری spss و Lizrel استفاده شده است.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش بیانگر این است که اقدامات ترمیمی پلیس بر پیشگیری اجتماعی از جرم به طور مستقیم 63٪ درصد تأثیر مستقیم و 42٪ درصد از طریق اعتمادسازی اثر غیرمستقیم دارد. ضمن این که اعتمادسازی 71٪ درصد تأثیر مستقیم بر اثر اقدامات پلیس در پیشگیری اجتماعی از جرم دارد. همچنین اقدامات ترمیمی پلیس 75٪ درصد تغییرات اعتمادسازی را می‌تواند پیش‌بینی نماید.

نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش نشان داد، میزان تأثیر مستقیم و غیرمستقیم اقدامات ترمیمی پلیس بر پیشگیری اجتماعی از جرم، مبین این مطلب است که برای ارتقاء اقدامات پلیسی ناظر بر پیشگیری اجتماعی از جرم، نه تنها مؤلفه‌ها و شاخص‌های اقدامات ترمیمی پلیس را باید تقویت نمود، بلکه تقویت متغیرهایی مانند اعتمادسازی که در این مطالعه به عنوان متغیر میانجی وارد گردید، مورد توجه، بازنگری و تقویت قرار گیرند.

واژه‌های کلیدی: اقدامات ترمیمی پلیس، عدالت ترمیمی، پیشگیری اجتماعی از جرم، اعتمادسازی.

1 - استادیار گروه پیشگیری انتظامی دانشگاه علوم انتظامی امین (نویسنده مسئول). رایانامه: S49darvishi@gmail.com

2 - استادیار گروه پیشگیری انتظامی دانشگاه علوم انتظامی امین. رایانامه: Cls188rahman@yahoo.com

عدالت ترمیمی، مدلی از عدالت است که بر پایه‌ی ترمیم و جبران قرار دارد. طرفداران عدالت ترمیمی، مخالفت خود را با عدالت سزادهنده، از مفهوم بزه آغاز می‌کنند. آنان بزه را به عنوان یک عمل علیه نظم اجتماعی، روابط انسانی و نقض حقوق افراد تعریف می‌کنند. بر پایه مدل ترمیمی عدالت، بزه باید در قلمروی جامعه‌ی محلی که جرم در آن حوزه اتفاق افتاده است، بوسیله‌ی اعضای آن جامعه محلی - بزه‌دیده و بزه‌کار - حل و فصل شود. بنابراین، در این مدل، به افراد اهمیت داده می‌شود. بزه‌کار، بزه‌دیده و حتی اعضای جامعه‌ی محلی، به کنش‌گرانی فعال در قلمروی اجرای عدالت تبدیل می‌شوند. در این مدل باید به بزه‌کار کمک شود تا بتواند زیان‌ها و صدمات وارده بر بزه‌دیده را به‌نحو مطلوبی جبران کند و روابطش را با بزه‌دیده سروسامان دهد و صدماتی را که به نظم اجتماعی وارد آورده جبران نماید (شیری، 1385: 226). به همین منظور دستگاه‌های عدالت کیفری و به صورت خاص پلیس هم با بهره‌گیری از سیاست‌های جدید به‌منظور تأمین رضایت بزه‌دیدگان، بزه‌کاران و جامعه در اجرای برنامه‌های خود تغییراتی بوجود آورده تا علاوه بر آن گامی اساسی در حل و فصل اختلافات برداشته و با استفاده از ظرفیت‌های عمومی و ایجاد اعتمادسازی در جامعه محلی، با ترمیم روابط بین فرد با جامعه، فرایند باز اجتماعی شدن بزه‌کاران و کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی را تسهیل نماید.

بیان مسأله

برنامه‌های عدالت ترمیمی، برنامه‌هایی است که فرآیند ترمیم‌گرا را به کار گرفته و هدفشان نیل به نتایج جبران‌گر و ترمیم‌گراست. در واقع در عدالت ترمیمی، ترمیم و جبران عنصری اساسی و اصلی است. نمونه‌های چنین فرآیندهایی می‌تواند شامل میانجی‌گری کیفری، گفتگوهای گروه‌های خانوادگی و مجلس‌های حکمیت و داوری باشد. این ترمیم و بازسازی شامل بازسازی و احیای روابط انسانی مختل شده به واسطه جرم، ترمیم گسست‌های ایجاد شده در بافت‌های اجتماعی، احیای موقعیت اجتماعی و حقوقی بزه‌دیده در جامعه، درمان ضربه‌های روانی وارد شده بر بزه‌دیده و نیز مشارکت فعال و سازنده اصحاب دعوای کیفری و جامعه در حل مسایل ناشی از جرم می‌شود. در

این فرآیند، از امکانات و استعدادهای جامعه برای ترمیم و تصحیح خطاها استفاده می‌شود و با شناسایی و تعریف آثار و نتایج بزه و با در نظر گرفتن امکانات انسانی جامعه، خطای انجام گرفته تصحیح شده، با بازگرداندن بزه‌کار و بزه‌دیده به زندگی اجتماعی، گسست‌های ایجاد شده در روابط اجتماعی ترمیم می‌گردد (شیری، 1385: 45).

در این راستا پلیس با الهام از سیاست‌های حاکم و وظیفه‌ی ذاتی خود اقداماتی در خصوص حل و فصل پدیده مجرمانه بین سهامداران جرم نموده است که نمود بارز آن میانجی‌گری بین بزه‌دیده و بزه‌کار است که در فرآیند انجام مأموریت‌های پلیسی به صورت رسمی و غیررسمی به آن عمل می‌نماید. در جنبه‌ی غیررسمی که مأمور با پشتوانه معیارهایی مانند شدت و ضعف جرم و مجازات، قابل گذشت بودن و رضایت بزه‌دیده، ... و در جنبه رسمی‌تر آن آنچه با توجه به معیارهای پیش‌گفته در مراکز پلیس صورت می‌گیرد، بدون استفاده از یک ضابطه و چارچوب خاصی اما با استفاده از دانشی که حاصل از تجربه است اقدام به میانجی‌گری می‌نماید (جانسون، 1379: 73).

در کلانتری‌های پلیس، با اتکاء به دانش حرفه‌ای و استفاده از ظرفیت‌های قانونی و محیطی و در بستر سایر ملزومات سازمانی می‌توان شاخص‌های عدالت ترمیمی را در ابعاد جلب مشارکت کامل و اجماع آسیب‌دیدگان از جرم، ترمیم و بهبود آنچه مورد نقض قرار گرفته است، ایجاد پاسخ‌گویی کامل و مستقیم، ایجاد وحدت و هماهنگی سهامداران جرم، تقویت نقش جامعه‌ی محلی، اجرایی نمود و آثار آن را در کاهش آسیب‌های اجتماعی و ارتقاء سطح رضایت‌مندی جامعه به پلیس، محقق ساخت. از جمله متغیرهای لازم در سطح سازمانی که بتواند، ارزش‌های مشترک ایجاد نماید و میزان تعهد به تحقق اهداف سازمانی و همچنین سطح مشارکت عمومی و جامعه محلی را در راستای ارتقاء اقدامات ترمیمی پلیس مؤثر باشد می‌توان به اعتمادسازی پلیس در محیط مأموریتی اشاره نمود، که شاید با شناسایی میزان تأثیرگذاری اعتمادسازی بر مشارکت جامعه‌ی محلی در از بین بردن و کاهش زمینه‌های ناهنجاری و جرم، بهتر بتوان نقاط قابل تقویت در این حوزه را شناسایی و سطح کیفی اقدامات ترمیمی پلیس را ارتقاء داد. به نظر می‌رسد، اعتمادسازی نه تنها می‌تواند بر اقدامات ترمیمی پلیس تأثیر مثبتی داشته باشد، بلکه از طریق تأثیرگذاری بر افزایش مشارکت جامعه محلی در برنامه‌های پلیس، سطح کیفی اقدامات ترمیمی پلیس را افزایش دهد. چرا که پی‌ریزی،

حفظ و ارتقای سطح اعتماد در روابط کاری و ارائه‌ی خدمات و جلب مشارکت دیگران، امروز سنگ بنای موفقیت سازمان‌ها در قرن بیست و یکم به حساب می‌آید.

لذا این که سطح مشارکت عمومی و جلب اعتماد آنان و هم افزایی مؤلفه‌ها و شاخص‌های مختلف، چگونه اقدامات و برنامه‌های ناظر بر پیشگیری اجتماعی از جرایم را در چارچوب برنامه‌های ترمیمی پلیس توسعه می‌دهد، یک مسئله مهم در راستای تحقق اهداف سازمانی پلیس به شمار می‌آید. اقدامات ترمیمی پلیس بر مبنای اعتمادسازی، راهکارهایی را به دست می‌دهند که می‌توان با کمک آن جایگاه شایسته‌ای را در محیط مأموریتی امروز برای جلب، جذب و حفظ مشارکت جامعه به دست آورد و در سایه این اعتمادسازی و افزایش میزان مشارکت جامعه محلی، یکی از اهداف برنامه‌های عدالت ترمیمی را که تمرکز بر پیوند و بازسازی رابطه فرد با محیط اجتماعی دارد، محقق ساخت و در غیر این صورت نمی‌توان برنامه‌های عدالت ترمیمی در حوزه پلیس را از حالت شکلی و صرفاً در حد سازش سطحی، خارج ساخت. بنابراین این تحقیق در پی آن است تا ضمن شناسایی میزان تأثیر اقدامات ترمیمی پلیس بر پیشگیری اجتماعی از جرم، نقش اعتمادسازی به عنوان یک متغیر میانجی در این پژوهش را مورد مطالعه قرار دهد.

فرضیه‌های پژوهش

- 1- اقدامات ترمیمی پلیس بر پیشگیری اجتماعی از جرم تأثیر مستقیم دارد.
- 2- اعتمادسازی بر پیشگیری اجتماعی از جرم تأثیر مستقیم دارد.
- 3- اقدامات ترمیمی پلیس بر اعتمادسازی تأثیر مستقیم دارد.
- 4- اقدامات ترمیمی پلیس از طریق اعتمادسازی بر پیشگیری اجتماعی از جرم تأثیر غیرمستقیم دارد.

پیشینه پژوهش

صبحی (1393) در پژوهشی با عنوان «رویکرد عدالت ترمیمی در پیشگیری از جرایم ناشی از نفرت» با بررسی چند مطالعه‌ی صورت گرفته به شیوه مروری به این نتیجه رسید که شیوه‌ی میانجی‌گری به دلیل نوع و شیوه‌ی اجرا و نتایج مثبتی که تاکنون از

آن به دست آمده است، قابلیت آن را دارد که در همه‌ی جرایم اعم از جرایم سبک و سنگین بکار گرفته شود. ایشان لزوم ارتباط با ظرفیت‌های موجود محلی را به منظور بکارگیری آن‌ها در اجرایی نمودن شیوه‌های عدالت ترمیمی مورد تأکید قرار داده‌اند.

مقدسی، میرزایی و غنی (1397) در پژوهشی با عنوان «برنامه‌های ترمیمی پلیس با تکیه بر قانون آیین دادرسی کیفری و رویه‌ی عملی پلیس ایران» به روش مروری ضمن برشمردن بایسته‌های ساختاری و مأموریتی فعالیت ترمیمی پلیس و الزامات بنیادین عدالت ترمیمی در پلیس، به این نتیجه می‌رسد که با توجه به اهمیت نقش پلیس در اجرای عدالت ترمیمی و نتایجی که از اجرای این برنامه‌ها در نظام قضایی آشکار می‌گردد، لزوم اختیارات قانونی به پلیس، تأمین منابع انسانی آموزش‌دیده، اهتمام به مباحث جامعه‌محوری پلیس و التفات به اجرای حقوق شهروندی ضروری می‌باشد. اندیشمندان خارجی نیز در این رابطه تحقیقات عمیقی به عمل آورده‌اند.

موریس و ماکس ول¹ (2002)، ماردوسکا² (2009)، رایبنسون و شاپلند³ (2008) و رودریگز⁴ (2007) در آثار و مطالعات خود عدالت ترمیمی را رویکرد همه‌جانبه و متوازن به جرم دانسته‌اند و آن را به عنوان یک رویکرد نوین در نظام عدالت کیفری در پاسخ‌گویی مناسب به تمام آسیب‌دیدگان فردی و اجتماعی ناشی از وقوع جرم دانسته‌اند. هلن بوئن⁵، عدالت ترمیمی بزه را نوعی تخطی نسبت به مردم و روابط میان آنها می‌داند. این فرایند تعهداتی را بوجود می‌آورد تا از آن طریق مسائل سامان یابند. عدالت ترمیمی، بزه‌دیده، بزه‌کار و جامعه را درگیر جستجویی در جهت یافتن راه-کارهایی برای کمک به ترمیم، آشتی و ایجاد اطمینان خاطر می‌نماید (شیری، 1385: 229).

مطالعات دیگری که در زمینه برنامه‌های عدالت ترمیمی و میانجی‌گری توسط اشنایدر به سال 1986 انجام گرفت، نشان داد تکرار جرم در مشمولین برنامه‌های میانجی‌گری و مشمولین برنامه‌های تعلیق مراقبتی و کسانی که مشمول هیچ یک از این

1- Morris & Maxwell

2- Murdocca

3- Robinson & Shapland

4- Rodriguez

5- Helen Bowen

برنامه‌ها واقع نشده و در مسیر عادی دادرسی کیفری محاکمه و مجازات شده بودند، نشان می‌داد که پس از 30 ماه نظارت و پیشگیری، 53% کسانی که در برنامه‌های میانجی‌گری شرکت کرده بودند، در طول این مدت دوباره مرتکب تکرار جرم شده بودند. این آمار در مورد کسانی که در برنامه‌های تعلیق مراقبت شرکت نموده بودند 10% افزایش و 63% تکرار جرم را نشان می‌داد. گروه سوم نیز به برنامه‌های میانجی‌گری احاله شده بودند، اما در ابتدا یا در طول گفتگوها از ادامه گفتگو سر باز زده بودند، در طول 30 ماه نظارت و کنترل 55% آمار تکرار جرم داشتند (اشنایدر، 1998). همچنین پژوهشی که در سال 2000 در آلمان توسط دولینگ و هارتمن در رابطه با میانجی‌گری انجام پذیرفت، نشان داد که آمار تکرار جرم شرکت کنندگان میانجی‌گری، سه چهارم گروه مقابل است که مشمول برنامه‌های عادی دادرسی کیفری رسمی شده- اند (یواری، 2002). اعتمادسازی موجب بسیاری از تلاش‌ها و رفتارهای مشارکتی می‌شود و در بسیاری از روابط بین فردی نقش کلیدی ایفا می‌کند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که اعتماد اثرات درون فردی و برون فردی را ایجاد کرده و روابط درون و برون سازمان را تحت تأثیر قرار می‌دهد (معمارزاده و خدایی محمودی، 1388).

در مجموع اعتماد داشتن، انتظار مثبت است که دیگران، (چه با کلمات، چه در اعمال و چه در تصمیمات) فرصت طلبانه عمل نمی‌کنند. اعتماد در طول زمان و بر پایه تعداد محدودی تجربه مربوط، شکل می‌گیرد. زمان زیادی لازم است تا این اعتماد به وجود آید و نهادینه شود. هر چه شناخت فرد بیشتر و روابط او گسترده‌تر می‌شود، به توانایی خود در ایجاد یک انتظار مثبت اطمینان بیشتری می‌کند (رابینز، 2005: 144).

در تفاوت پژوهش حاضر با پیشینه، می‌توان گفت، در تحقیقات گذشته هر یک از ابعاد متغیرهای این پژوهش شامل؛ عدالت ترمیمی، اعتمادسازی و پیشگیری اجتماعی از جرم به صورت جداگانه و یا همراه با متغیر دیگری مورد مطالعه قرار گرفته است، لیکن تاکنون متغیر اعتمادسازی به عنوان میانجی بین اقدامات ترمیمی و پیشگیری اجتماعی از جرم به ویژه در سطح پلیس مورد مطالعه قرار نگرفته است.

مبانی نظری

عدالت ترمیمی: عدالت ترمیمی در عین حال که الگویی جدید از عدالت است مدلی اصیل و ریشه‌دار از عدالت کیفری است (غلامی، 1383: 714). عدالت ترمیمی، مدلی از عدالت است که در این مدل باید به بزهکار کمک شود تا بتواند زیان‌ها و صدمات وارده بر بزه‌دیده را به‌نحو مطلوبی جبران کند و روابطش را با بزه‌دیده سر و سامان دهد و صدماتی را که به نظم اجتماعی وارد آورده جبران نماید (شیری، 1385: 226). موضوع عدالت ترمیمی همواره یکی از پرچالش‌ترین و در عین حال مبهم‌ترین مفاهیم در طول تاریخ بوده است (تراب‌زاده و سجادیه، 1390: 75). عدالت ترمیمی بر اهمیت ارتقاء نقش بزه‌دیدگان و اعضای جامعه از رهگذر درگیر نمودن فعالانه‌تر آنان در فرآیند عدالت تأکید داشته، بزهکاران را مستقیماً در قبال بزه‌دیدگان و جوامعی که مورد آسیب و زیان قرار گرفته‌اند، مسئول می‌داند. عدالت ترمیمی آسیب‌های معنوی و مادی بزه‌دیدگان را ترمیم کرده و طیفی از فرصت‌های مناسب را برای گفتگو، مذاکره و حل و فصل مشکل در هر زمانی که امکان داشته باشد، فراهم می‌آورد (عباسی، 1385: 96-91). بزهکار در فرایندهای ترمیمی احساس احترام به خود را حس می‌کند و با شرم ناشی از ارتکاب بزه و ملاحظه‌ی احترام دیگران به او در مسیر بازاجتماعی شدن قرار می‌گیرد (رحیمی‌نژاد و دیگران، 1394: 88).

اولین و بارزترین جلوه‌ی عدالت ترمیمی، برنامه‌ی میانجی‌گری میان بزه‌دیده و بزهکار است، که اولین بار در کشور کانادا که کشور پیشگام در زمینه اعمال عدالت ترمیمی است بوجود آمد. اولین نمونه‌ی رسمی میانجی‌گری در این کشور در سال 1974 در شهر کیچنر، اونتاریو رخ داد که طی آن دو جوان در معرض اتهام تخریب 22 کالا، وارد کردن ضرر و زیان بر 22 نفر و تخریب اموال آنها قرار گرفتند (غلامی، 1383: 46). میانجی‌گری عبارتست از مداخله‌ی یک شخص ثالث مورد قبول (بی‌طرف) که اختیاری برای صدور رأی ندارد و به طرفین درگیر در اختلاف کمک می‌کند تا بطور اختیاری به حل و فصل دو جانبه‌ی قابل قبول راجع به موضوعات مورد اختلاف دست یابند (درویشی، 1388: 92). میانجی‌گر که عضوی از جامعه‌ی مدنی است سعی می‌کند که بزهکار و بزه‌دیده را در ارتباط با هم قرار دهد، زمینه‌ی دیدار و گفتگو، مذاکره و طرح مطالبات و خواسته‌های متقابل آنها را فراهم کند، دیدگاه‌ها و مشکلات آنها را به

زبان دیگری برای آنها بازگو و شفاف نماید و بدین‌سان به آنها کمک کند تا مکنونات قلبی خود را بیان نمایند و تسلی روحی پیدا کنند (نجفی ابرنآبادی، 1382: 15).

ویژگی‌های عدالت ترمیمی: عدالت ترمیمی با توجه به تعاریف آن دارای ویژگی‌هایی است که به شرح ذیل می‌باشد (رحیمی‌نژاد و دیگران، 1394: 85-112).

1. عدالت ترمیمی دعوتی است به مشارکت کامل و اتفاق نظر و اجماع: این امر بدان معناست که بزه‌دیدگان و بزهکاران اصولاً درگیر موضوع می‌شوند. با وجود این، کسان دیگری که احساس می‌کنند منافع آنها نیز تحت تأثیر واقعه-ی مجرمانه قرار گرفته است، نیز می‌توانند مشارکت نمایند.
2. عدالت ترمیمی در جستجوی آن است که آنچه را که نقض شده است، بهبود بخشد: پرسش محوری در هر فرایند عدالت ترمیمی این است که بزه‌دیده به چه چیزی نیازمند است تا بهبود یابد و خود را بازیافته، احساس آرامش و امنیت مجدد نماید.
3. عدالت ترمیمی در جستجوی ایجاد احساس پاسخگویی کامل و مستقیم است: بزهکاران باید با کسانی که به آنان ضرری وارد کرده‌اند، روبه‌رو گردند و ملاحظه نمایند که اقدامات آنان چگونه منجر به ضرر و زیان دیگری شده است.
4. عدالت ترمیمی در جستجوی بازگرداندن وحدت و هماهنگی به آن چیزی است که در نتیجه جرم گسسته شده است: جرم موجب ایجاد نوعی تقسیم‌بندی و انشقاق میان مردم و تقسیم افراد به بزهکار و بزه‌دیده و نیز نوعی گسستگی در جامعه محلی است. فرایندهای ترمیمی اقداماتی برای ایجاد آرامش و توافق میان بزهکار و بزه‌دیده و بازگرداندن هر دوی آنها به جامعه است.
5. عدالت ترمیمی در جستجوی تقویت جامعه محلی جهت پیشگیری از زیان جرم در آینده است:

جرم موجب ایجاد ضرر و زیان است. این وضعیت می‌تواند به ایجاد کشمکش و درگیری طولانی میان بزهکار و بزه‌دیده منجر شود. به گونه‌ای که در بروز رفتار مجرمانه نیز نمود یافته است. این شرایط ممکن است ناشی از یک وضعیت ساختاری، در قالب

نابرابری اقتصادی یا نژادی باشد. این امر گرچه برای بزهکار عذری جهت توجیه ارتکاب جرم نیست، اما باید برای تقویت جامعه و در نتیجه ایجاد امنیت بیشتر در آن مورد توجه قرار گیرد (نجفی ابرندآبادی، 1387: 725).

برنامه‌های عدالت ترمیمی پلیس: برنامه‌های عدالت ترمیمی پلیس عبارتند از:

- 1- میانجی‌گری بین بزهکار و بزه‌دیده به منظور ترمیم خسارت بزه‌دیده؛
- 2- نشست‌های گروهی و ترمیمی؛
- 3- حلقه‌های تعیین مجازات؛
- 4- هیئت‌ها و گروه‌های مردمی (مقدسی، میرزایی و غنی، 1397).

برنامه‌های عدالت ترمیمی در قالب میانجی‌گری و نشست‌های عمومی با حضور زیان‌دیده‌گان ناشی از جرم، نیاز به ساختار، زمینه‌ها و شرایطی دارد که پلیس تلاش نموده است بخشی از این شرایط را در دواير مشاوره و مددکاری اجتماعی فراهم نماید.

پلیس و مراکز مشاوره و مددکاری: مددکاری اجتماعی یک خدمت حرفه‌ای است که بر دانش و مهارت‌های خاصی قرار گرفته است. هدف از آن کمک به افراد، گروه‌ها یا جامعه است تا بتواند استقلال شخصی، اجتماعی و رضایت خاطر فردی و اجتماعی را به دست آورند (قندی، 1380: 12). هدف مددکاری این است که بین بهزیستی افراد و رفاه اجتماعی سازگاری و وفاق ایجاد کند (حمیدفر، 1379: 121-122). دفتر مشاوره و مددکاری اجتماعی در کلانتری، واحدی است که موارد ارجاعی از طریق اداره‌ی قضایی در کلانتری‌ها و پاسگاه‌ها را پذیرش کرده و با به‌کارگیری اصول و موازین حرفه‌ای زمینه لازم را برای مراجعان به‌منظور برقراری مصالحه و یا برگشت به سطح سازگاری متعارف ایجاد می‌کند.

پیشگیری اجتماعی از جرم: مهم‌ترین و نزدیک‌ترین عاملی که در بروز بزهکاری نقش اساسی و مستقیمی را ایفا می‌کند، اراده‌ی مجرم است که گذار از مرحله‌ی انگیزه و تصمیم به ارتکاب بزه را تا تحقق کامل آن هموار می‌کند. بنابراین کنترل جرم بدون در نظر گرفتن عواملی که بر اراده و انگیزه‌ی مجرمانه تأثیر داشته باشد عملاً امکان‌پذیر نمی‌باشد (بیات و دیگران، 1387: 46).

پیشگیری اجتماعی برخلاف پیشگیری وضعی که بر موقعیت جرم‌زا تمرکز دارد، به مجرم احتمالی و محیط پیرامونی او می‌پردازد. پیشگیری اجتماعی خود به دو بخش رشد مدار و جمعی تقسیم می‌شود. در پیشگیری اجتماعی، تقویت سازوکارهای خودکنترلی (یا موانع اخلاقی) از یک سو و آموختن مهارت‌های اجتماعی برای تعامل با دیگران از سوی دیگر، به نوجوانان آموزش داده می‌شود. این نوع پیشگیری، با هدف قراردادن اصلاح فرد و جامعه، منجر به جلوگیری از جرم به صورت پایدار و همیشگی می‌شود (نجفی ابرندآبادی، 1387: 1238). پیشگیری رشدمدار درصدد شناسایی موارد زیر است:

- 1- عوامل خطری که می‌تواند نشانه روی آوردن به بزهکاری در آینده باشد؛
- 2- عوامل حمایتی که می‌تواند احتمال ارتکاب جرم را کاهش دهد؛
- 3- عوامل قطع‌کننده که می‌تواند نوجوانان یا جوانان را از استمرار فعالیت منحرفانه و یا مجرمانه منصرف سازد (کراوورد¹، 2007: 883).

میانجی‌گری و پیشگیری اجتماعی از جرم: در سال 2000 پژوهش‌گرانی به نام‌های ولاکو، رونی، کاپرتا و بونت² در کانادا اعلام کردند که آمار تکرار جرم افراد شرکت‌کننده در برنامه‌های عدالت ترمیمی، نظیر میانجی‌گری نسبت به گروه مقایسه شده در دستگاه عدالت کیفری، تفاوت معناداری را نشان می‌دهد (امبریت و وز³، 2001). این آمار 12 درصد در مقابل 37 درصد بود، که رقم بیشتر مربوط به سیستم عدالت کیفری سنتی بوده است. مطالعات نوجنت و پادوک در سال 1995 در انگلستان تفاوت معناداری را در مورد آمار تکرار جرم در رابطه با شرکت‌کنندگان در برنامه‌های عدالت ترمیمی نشان می‌دهد. این آمار 19/8 درصد در مورد شرکت‌کنندگان در میانجی‌گری کیفری در مقابل 33/1 درصد تکرار جرم در مورد مشمولین دادرسی کیفری عادی بوده است. علاوه بر این گروه شرکت‌کننده در میانجی‌گری کیفری جرایم کم‌اهمیت‌تری را تکرار کرده بودند (نوجت و پاوک⁴، 1995).

1 - Keravford

2 - Velaco, Rony, Kaperna & Bonta

3 - Umbreit & Vos

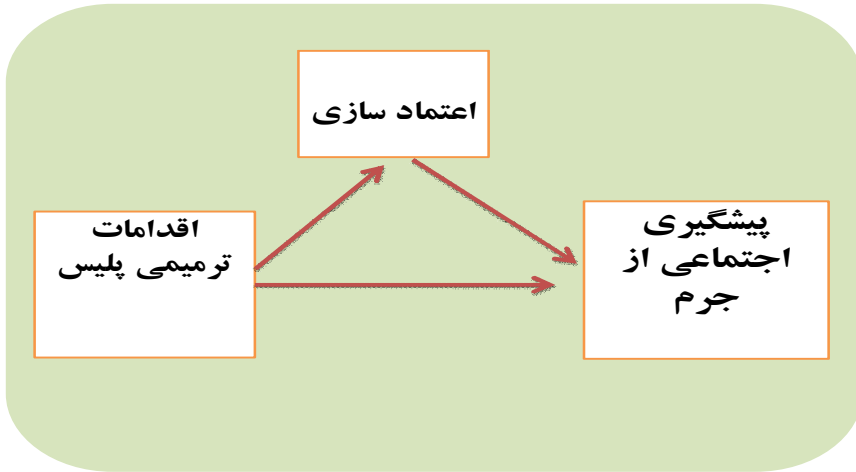
4 - Noget & Pavek

پیشگیری اجتماعی رویکردی بزهکار محور بوده و میانجی‌گری به دو عنصر بزهکار و بزه‌دیده بصورت توأم توجه دارد. پیشگیری اجتماعی از یک طرف به شناخت و برطرف نمودن علل جرم تأکید دارد و از طرف دیگر به آموزش و مسائل تربیتی توجه می‌کند. تأثیر آموزش و ماندگاری اقدامات تربیتی مستلزم وجود فضا و شرایط مناسب است. در فرایند رسیدگی به پرونده، چنانچه زمانی مناسب برای عدالت ترمیمی با تأکید بر رویکرد فرایند محوری، اختصاص داده شود به نظر می‌رسد شرایط برای اثربخشی هر چه بهتر پیشگیری اجتماعی از جرم از طریق آموزش‌های تربیتی و اخلاقی بر روی بزهکار مهیا باشد. در شرایطی که بزه‌دیده بین انتخاب مجازات بزهکار و گذشت او مخیر است در صورت انتخاب راهکار دوم، بزهکار را دچار شرمساری بیشتر از عملکرد خود می‌نماید و مسلماً هر چقدر حضور افراد ذی‌نفوذ و تأثیرگذار بر بزهکار در جلسه‌ی صلح و آشتی بیشتر باشد این تأثیرگذاری بیشتر است و این همان نتیجه‌ای است که پلیس در پیشگیری اجتماعی به دنبال آن است.

اعتمادسازی: اعتماد انتظاری است مبنی بر این که کارکنان به خود اجازه ندهند در زمانی که دیگران آسیب‌پذیر هستند ضرر و زبانی به آنها وارد نمایند. این مفهوم یکی از پایه‌ها و عناصر کلیدی است که می‌تواند با توسعه‌ی ابعاد و شاخص‌های آن، باعث موفقیت و پیشرفت یک سازمان گردد. اکثر صاحب‌نظران در علوم مختلف به اهمیت نقش اعتماد در سازمان‌ها اشاره کرده‌اند که این مورد برای موفقیت سازمانی، انجام تغییرات مداوم در نقش‌ها و تکنولوژی‌ها و همچنین طراحی مشاغل و مسئولیت‌ها ضروری می‌باشد (دانایی فرد و دیگران، 2009). احساس اعتماد، روابط بین اعضاء و سازمان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. افول اعتماد در سازمان‌های دولتی باعث ایجاد کارکنانی بی‌انگیزه و بی‌تفاوت گردیده و اجرای کند برنامه‌ها را سبب می‌گردد (عواطفی منفرد و دیگران، 2012). اعتماد عهد و پیمانی ظریف میان اعضاء سازمانی است که رفتارهای فردی، علایق و نظم گروهی خود را در صحنه‌های اجتماعی هماهنگ می‌کنند و جو سازمانی را برای ایجاد یک رویکرد تیمی تغییر می‌دهند و موجبات توسعه‌ی اعتماد به یکدیگر را فراهم می‌آوردند (باقری و تولایی، 2011). در محیط انجام وظایف پلیس در ارائه‌ی خدمات انتظامی و اجتماعی به جامعه و در فضایی که معمولاً با استرس و دلهره برای بزهکار و بزه‌دیده همراه است، اعتماد به پلیس و نقش آن در

ترمیم آرامش و امنیت خدشه‌دار شده، از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. ضمن این که این اعتماد در کنار سایر ابعاد اعتماد مانند اعتماد بین کارکنان و اعتماد آنان به مافوق، از برجستگی زیادی می‌تواند برخوردار باشد. اعتمادسازی را می‌توان با استفاده از شیوه‌هایی رشد داد، که شامل؛ اعتماد مبتنی بر خصیصه‌های شخصی مانند نژاد، جنسیت و پیشینه‌ی خانوادگی، اعتماد مبتنی بر فرایند که از طریق مبادله‌های مکرر و در گذر زمان ایجاد می‌شود (الوانی و دانایی فرد، 2001). در تمام حوزه‌های کاری سازمان پلیس خلق و توسعه اعتماد، نقشی کلیدی را در ایجاد اطمینان و احساس امنیت ایجاد می‌نماید. بنابراین پلیس محتاج اعتمادآفرینی در همه‌ی عناصر محیط است و از یک منظر می‌توان عناصر اعتمادسازی در پلیس را شامل پنج مؤلفه اعتماد راسخ، اعتماد مبتنی بر صداقت، اعتماد فراگیر، اعتماد پایدار و اعتماد متقابل دانست (فرامرز قره‌ملکی، 2009). و یا اعتمادسازی را در پنج مؤلفه؛ رفتار مبتنی بر اعتماد کردن، اطمینان، تمایلات همکاری جویانه، صراحت، صداقت، معرفی نمود (صفاری نیا و شریف، 1389).

چارچوب نظری یک الگوی مفهومی است که مبتنی است بر روابط نظریه‌پردازی میان شماری از عواملی که در خصوص مسائل مورد پژوهش با اهمیت تشخیص داده شده، در قلمرو مسأله به گونه‌ای منطقی جریان می‌یابد. با توجه به تعاریف ارائه شده و ذکر تحقیقات گذشته محققان و با بهره‌گیری از مطالعات غلامی (1385)، نجفی‌ابرنادآبادی (1387)، صفاری نیا و شریفی (1389)، کراوفورد (2007) و رابینز (2005)، مدل مفهومی برابر شکل 1 که نشان‌دهنده نحوه‌ی تأثیرگذاری مستقیم اقدامات ترمیمی پلیس بر روی پیشگیری اجتماعی از جرم و غیرمستقیم از طریق اعتمادسازی می‌باشد، ترسیم می‌گردد:



شکل 1- مدل نظری پژوهش

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر از نظر داده‌ها کمی و از نظر اهداف کاربردی و از نظر ماهیت، مطالعه همبستگی است. این پژوهش در سال 1396 و در استان قم انجام پذیرفت. جامعه‌ی آماری را 118 نفر از مدیران ستادی و اجرایی فرماندهی انتظامی استان قم تشکیل می‌دهند که به نوعی در انجام وظایف خود با اقدامات ترمیمی پلیس آشنا و اشرافیت کافی را دارا هستند. حجم نمونه و روش نمونه‌گیری براساس روش نمونه‌گیری طبقه‌ای و تصادفی ساده و با استفاده از فرمول کوکران، تعداد 110 نفر تعیین گردید. برای جمع‌آوری داده‌ها و اندازه‌گیری اقدامات ترمیمی پلیس، پیشگیری اجتماعی از جرم و اعتمادسازی از پرسشنامه 61 سوالی محقق ساخته بر اساس مبانی نظری استفاده شد. اعتبار ابزار به وسیله‌ی آلفای کرونباخ برابر 0/90/89 محاسبه گردید و برای بررسی روایی کل مؤلفه‌های این پرسشنامه ابتدا از روش صوری و سپس از روش تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد (جدول 1) که شاخص‌های برازش، نشانگر روایی این پرسشنامه است. برای آزمون فرضیه‌ها از آزمون‌های میانگین به منظور تحلیل داده‌ها و محاسبه‌ی میانگین جامعه و انحراف معیار (مومنی و همکار، 1386) و مدل معادلات ساختاری به منظور انجام رگرسیون چند متغیره، تجزیه و تحلیل عاملی، تجزیه و تحلیل مسیر، رابطه علی متغیرها و اندازه‌گیری متغیرهای پنهان توسط شاخص‌های اندازه‌پذیر و آشکار،

استفاده شده است (مهرگان و همکاران، 1387: 22 - 23). داده‌های حاضر در بسته‌ی نرم‌افزاری spss و Lizrel مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

جدول 1- نتایج تحلیل عاملی اکتشافی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	عدد KMO	عدم‌عنناداری بارتلت	تعداد عامل‌ها و ارزش ویژه آن‌ها	درصد واریانس تبیین شده	سوالات حذف شده در تحلیل عاملی
اقدامات ترمیمی پلیس	.901	0/000	بعد اجماع در مشارکت 5/38	61/58 درصد	سوال 7 و 11
			بعد بهبود روابط 4/06		
			بعد مسئولیت بزهکار 2/98		
			بعد هماهنگی ذی نفعان 3/01		
پیشگیری اجتماعی از جرم	.873	0/000	بعد تقویت جامعه محلی 4/29	57/06 درصد	سوال 27
			بعد تعامل با نهادهای فرهنگی 2/75		
			بعد تعامل با مدرسه 4/91		
			بعد تعامل با خانواده 3/43		
اعتماد سازی	.903	.000	بعد خدمات مشاوره ای 5/17	63/09	سوال 47
			بعد رفتار مبتنی بر اعتماد کردن 3/73		
			بعد اعتماد مبتنی بر صداقت 3/75		
			بعد اعتماد صراحت 2/85		
			بعد تمایلات همکاری جویانه 4/71		
			بعد اطمینان 4/93		

جدول 2- نتایج مدل اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش

نام مدل اندازه‌گیری	متغیرها	مقدار خی 2	درجه آزادی	نسبت خی 2 بر درجه آزادی	مقدار RMSEA
مدل اندازه‌گیری متغیرهای مستقل	اقدامات ترمیمی پلیس و ابعاد آن	197/43	98	1/41	0/089
مدل اندازه‌گیری متغیرهای میانجی	اعتمادسازی و ابعاد آن	127/98	83	1/31	0/068
مدل اندازه‌گیری متغیرهای وابسته	پیشگیری اجتماعی از جرم و ابعاد آن	153/75	96	1/13	0/059

نتایج مدل‌های اندازه‌گیری متغیرهای تحقیق نشان داد که مدل اندازه‌گیری آنها مناسب و کلیه اعداد و پارامترهای مدل معنادار است.

یافته‌ها

ابتدا آمار توصیفی و سپس آزمون الگوی ساختاری یا فرضیه‌های تحقیق، مورد بررسی قرار خواهند گرفت. جدول 3 شاخص‌های توصیفی و استنباطی متغیرها جهت بررسی پراکندگی مناسب و نرمال بودن توزیع داده‌ها ارائه شده‌اند.

جدول 3- شاخص‌های توصیفی و استنباطی متغیرها

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی	مقدار t مشاهده شده	سطح معناداری	وضعیت
اجماع در مشارکت	3/25	757%	27-%	53-%	5/38	0/002	مناسب
بهبود روابط	3/91	551%	19-%	67%	5/51	0/000	مناسب
مسئولیت بزهکار	4/11	893%	37%	59-%	7/78	0/003	مناسب
هماهنگی ذی نفعان	2/96	697%	25-%	34-%	3/87	0/000	مناسب
تقویت جامعه محلی	3/79	641%	23-%	69-%	4/37	0/000	مناسب
اقدامات ترمیمی پلیس	3/79	842%	33-%	48%	6/37	0/001	مناسب
تعامل با نهادهای فرهنگی	2/78	773%	36%	57%	4/39	0/001	مناسب
تعامل با مدرسه	3/97	656%	19-%	68-%	7/53	0/000	مناسب
تعامل با خانواده	3/91	498%	28-%	47-%	11/71	0/000	مناسب
خدمات مشاوره‌ای	4/31	893%	17-%	67-%	21/85	0/000	مناسب
پیشگیری اجتماعی از جرم	4/19	697%	21-%	79%	11/33	0/000	مناسب
رفتار مبتنی بر اعتماد	3/30	855%	35%	37-%	12/567	0/000	مناسب
اعتماد مبتنی بر صراحت	2/91	755%	13-%	61-%	5/47	0/001	مناسب
اعتماد مبتنی بر صداقت	3/90	632%	25-%	48-%	6/58	0/000	مناسب
تمایلات همکاری جوانانه	4/08	517%	37-%	78-%	11/74	0/003	مناسب
اطمینان	4/71	497%	28-%	59%	3/73	0/000	مناسب
اعتماد سازی	3/35	782%	17%	37-%	7/67	0/000	مناسب

با توجه به اینکه قدر مطلق چولگی و کشیدگی متغیرها به ترتیب نباید از 3 و 90 بیشتر باشد. لذا جدول شماره 3 نشان می‌دهد، قدر مطلق چولگی و کشیدگی تمامی متغیرها کمتر از 3 می‌باشد و بنابراین بر نرمال بودن متغیرها دلالت دارد. همچنین مقدار t بیش از عدد 2 در سطح معناداری کوچک‌تر از سطح خطا (0/05) در تمام متغیرها، نشان دهنده وجود تأثیر معنادار بین متغیرهای تحقیق است.

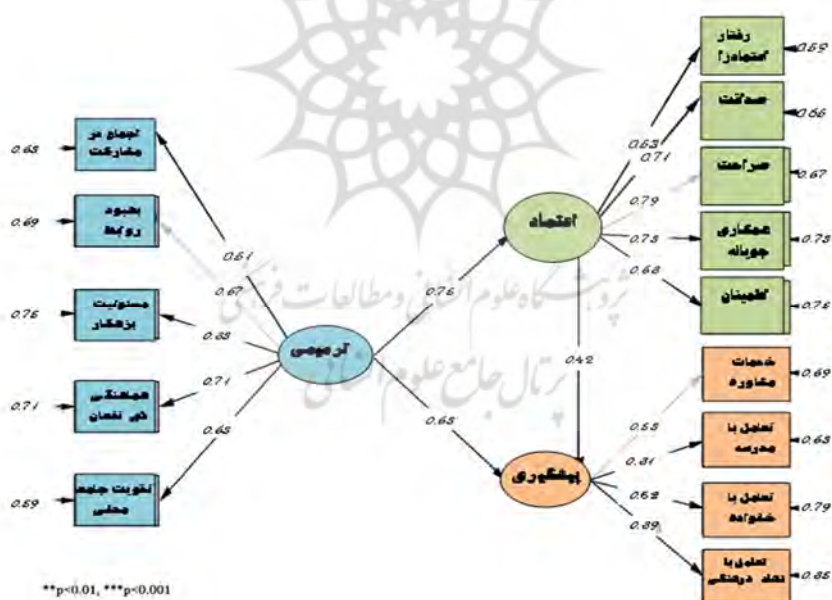
جدول 4- ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

ردیف	متغیر	1	2	3
1	اقدامات ترمیمی	1		
2	پیشگیری اجتماعی از جرم	0/69**	1	
3	اعتماد سازی	0/78**	0/83**	1

**p<0.00

با توجه به جدول 4 رابطه‌ی اقدامات ترمیمی پلیس با پیشگیری اجتماعی از جرم (0/69) و با اعتماد سازمانی (0/78) در سطح 01. مثبت و معنی دار می‌باشد. رابطه‌ی پیشگیری اجتماعی از جرم با اعتمادسازی نیز با (0/83) در سطح 01. مثبت و معنی دار می‌باشد.

آزمون الگوی نظری پژوهش و برازش آن با داده‌های گردآوری شده، با روش بیشینه احتمال و با استفاده از نرم افزار لیزرل انجام شد. در شکل 2 الگوی آزمون شده پژوهش حاضر ارائه شده است.



شکل 2 الگوی آزمون شده پژوهش

با توجه به شکل 2 اثر مستقیم اقدامات ترمیمی پلیس بر پیشگیری اجتماعی از جرم، مثبت و معنی‌دار می‌باشد. اثر مستقیم این متغیر بر اعتماد (0/75) و بر اثر پیشگیری اجتماعی از جرم 0/63. در سطح 0/01. مثبت و معنی‌دار می‌باشد. همان‌طور که شکل شماره 2 نشان داده می‌شود، اثر اقدامات ترمیمی پلیس بر اثر پیشگیری اجتماعی از جرم و اعتمادسازی معنی‌دار است؛ همچنین اثر اعتمادسازی بر پیشگیری اجتماعی از جرم معادل 0/71. و اثر اقدامات ترمیمی پلیس بر پیشگیری اجتماعی از جرم از طریق اعتمادسازی معادل 0/42. در سطح 0/01. معنی‌دار و مثبت می‌باشد. این بدان معنی است که اقدامات ترمیمی پلیس به صورت مستقیم 0/63. و به صورت غیرمستقیم 0/42. از طریق اعتمادسازی تأثیر معنی‌داری بر پیشگیری اجتماعی از جرم دارد. لذا فرضیه‌های تحقیق تأیید می‌شوند. همچنین اقدامات ترمیمی پلیس 0/76. از تغییرات اعتماد سازمانی را می‌تواند پیش‌بینی نماید. در جدول 5 اثرات مستقیم، غیرمستقیم، کل و واریانس تبیین شده متغیرها.

جدول 5- اثرات مستقیم، غیرمستقیم، کل و واریانس تبیین شده متغیرها

اثر	اثر مستقیم	اثر غیر مستقیم	اثر کل	R2
به اقدامات پیشگیری اجتماعی از جرم از				0/69
اعتمادسازی	0/71	-	0/71	
اقدامات ترمیمی پلیس	0/63	0/42	0/79**	
به اعتمادسازی از				0/73
اقدامات ترمیمی پلیس	0/75***		0/75***	

p<0. 01, *p<0. 001

برای بررسی میزان برازش مدل آزمون شده از شاخص‌های معرفی شده توسط کلاین (2011) استفاده شد. این شاخص‌ها شامل $X^2/d. f$ که مقادیر کمتر از 3 قابل پذیرش هستند، شاخص نیکویی برازش (GFI^1)، شاخص برازش تطبیقی (CFI^2) که مقادیر بیشتر از 9 نشانگر برازش مناسب الگوی هستند، شاخص نیکویی برازش تعدیل یافته ($AGFI^3$) که مقادیر بیشتر از 0/8. قابل قبول هستند، شاخص برازش ایجاز ($PNFI^4$) که

1 - Goodness of Fit Index

2- Comparative Fit Index

3- Adjusted Goodness of Fit Index

4- Parsimony Fit Index

مقادیر بیشتر از 6/0. نشانگر برازش مناسب الگوی هستند و مجذور میانگین مربعات خطای تقریب (RMSEA¹) که مقادیر کمتر از 08/0. نشانگر برازش مناسب الگوی هستند. در جدول 7 شاخص‌های برازش الگوی آزمون شده گزارش شده‌اند که با توجه به معیارهای مطرح شده، الگوی آزمون شده برازش مناسبی با داده‌های گردآوری شده دارد.

جدول 6- شاخص‌های برازش الگوی آزمون شده پژوهش

RMSEA	PNFI	AGFI	CFI	GFI	X ² /d. f.
07/0	81/0	93/0	97/0	95/0	1/94

جدول 7- نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

نتیجه آزمون	P سطح معناداری	ضریب مسیبر	فرضیه‌های پژوهش
تأیید فرضیه	001/0	63/0	اقدامات ترمیمی پلیس بر ارتقاء پیشگیری اجتماعی از جرم تأثیر مستقیم دارد.
تأیید فرضیه	000/0	71/0	اعتمادسازی بر ارتقاء پیشگیری اجتماعی از جرم تأثیر مستقیم دارد.
تأیید فرضیه	002/0	75/0	اقدامات ترمیمی پلیس بر اعتمادسازی پلیس تأثیر مستقیم دارد.
تأیید فرضیه	001/0	42/0	اقدامات ترمیمی پلیس از طریق اعتمادسازی بر ارتقاء پیشگیری اجتماعی از جرم تأثیر غیرمستقیم دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

عدالت ترمیمی و اعتمادسازی پلیس، از جمله مهم‌ترین عوامل مؤثر بر بهبود و ارتقاء اقدامات پلیس در پیشگیری اجتماعی از جرم می‌باشد. مؤلفه‌ها و شاخص‌های عدالت ترمیمی در بسیاری از جهات با مؤلفه‌ها و شاخص‌های پیشگیری اجتماعی از جرم که به صورت کلی بر محور پیشگیری رشدمدار و جامعه‌مدار متمرکز است، همسانی بیشتری دارد، به طوری که در تجزیه و تحلیل فرضیه‌های پژوهش مبنی بر بررسی رابطه‌ی اقدامات ترمیمی پلیس و اعتمادسازی با پیشگیری اجتماعی از جرم، رابطه‌ی مثبت و معنادار می‌باشد. بنابراین داده‌ها و نتایج تجزیه و تحلیل آماری فرضیه‌ی اول و دوم را تأیید می‌نماید. این بدین معنا است که رشد و ارتقاء شاخص‌های عدالت ترمیمی در

1- Root Mean Square Error of Approximation

اقدامات پلیس، به ویژه در حوزه‌ی صلح و سازش، میانجی‌گری و تعامل با نهادهای اجتماعی، مدرسه و خانواده، در ترمیم و بهبود روابط فرد با جامعه محلی و ترمیم و تقویت جامعه‌ی محلی، افزایش احساس مسئولیت بزه‌کار به بزه‌دیده و همه افرادی که به نوعی زیان‌دیده از جرم هستند و ایجاد هماهنگی و وحدت لازم و اجماع مشارکت برای مساعدت، تقویت بزه‌دیده و فراهم نمودن بستر بازگشت بزه‌کار به جامعه، هرچه قدر افزایش یابد، به همان میزان می‌توان، اقدامات پلیس در پیشگیری اجتماعی از جرم، که بیشتر ناظر بر اصلاح رفتاری است، محقق ساخت.

از طرف دیگر اقدامات ترمیمی پلیس با توجه به تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش با اعتمادسازی پلیس به صورت مستقیم و با پیشگیری اجتماعی از جرم به صورت غیرمستقیم از طریق اعتمادسازی نیز رابطه‌ی مثبت و قابل ملاحظه‌ای دارد. داده‌های پژوهش و نتایج بدست آمده از طریق تحلیل مسیر در آزمون آماری، بیانگر این است که اقدامات ترمیمی پلیس نه تنها تأثیر مستقیم معنی‌دار بر پیشگیری اجتماعی از جرم دارد، بلکه تأثیر قابل ملاحظه و قوی‌تری بر اعتمادسازی دارد و در تأثیرگذاری از طریق اعتمادسازی بر اثر پیشگیری اجتماعی از جرم، تأثیر مضاعف و 79 درصدی را به صورت مستقیم و غیرمستقیم اعمال می‌نماید. لذا فرضیه‌ی سوم و چهارم تحقیق نیز مورد تأیید قرار گرفتند. همچنین نتایج بیانگر این است که شاخص‌های گفته شده در اقدامات ترمیمی پلیس با شاخص‌های اعتمادسازی که رویکرد نرم‌افزاری و نهادینه کردن اعتماد مبتنی بر صراحت، اعتماد مبتنی بر صداقت، رفتار مبتنی بر اعتماد، تمایلات همکاری جویانه، اطمینان و در مجموع اعتمادسازی نسبت به پلیس، همسانی و هم افزایی بالایی دارند، به طوری که ارتقاء و افزایش ضریب تأثیر در این شاخص‌ها، به صورت مستقیم موجب تأثیر معنی‌دار در شاخص‌های پیشگیری اجتماعی از جرم می‌گردند.

نتایج این پژوهش با یافته‌های اشنایدر (1998) مبنی بر کاهش تکرار جرم و پیشگیری 53 درصدی و 55 درصدی از تکرار جرم در دو مرحله، پس از اجرای برنامه‌های میانجی‌گری و تعلیق مراقبتی، در مقایسه با گروهی که مشمول این برنامه‌ها نبودند، نیز همسویی دارد. یافته‌های این پژوهش با نتایج مطالعات دولین و هارتمن، به نقل از ایواری (2002) مبنی بر کاهش 75 درصدی تکرار جرم، افرادی که مشمول اجرای برنامه‌های ترمیمی بوده‌اند، نیز مطابقت دارد. و مطابقت با آثار مطالعات

گذشتگان را، به لحاظ ضریب بالای همبستگی در مطالعه حاضر نیز می‌توان مشاهده نمود. همچنین نتایج تحقیق با یافته‌های معمارزاده و همکاران (1388) مبنی بر افزایش مشارکت ناشی از اعتماد و تقویت روابط فرد در درون و بیرون سازمان مطابقت دارد. در یک نگاه کلی، نتایج تحقیق با مطالعات موریس و ماکس ول¹ (2002)، ماردوسکا² (2009)، رابینسون و شاپلن³ (2008)، رابریگز⁴ (2007) و هلن بوئن⁵، به نقل از (شیری، 1385) نیز همسویی دارد.

نتایج تحقیق بیان‌گر این است که، هر چند سهم مستقیم پلیس در پیشگیری اجتماعی از جرم، بیشتر ناظر بر اصلاح رفتاری می‌باشد، لیکن در یک رویکرد ترمیمی با استفاده از توان ایجابی پلیس و مشارکت ذی‌نفعان و آسیب‌دیدگان ناشی از بزه، هم-افزایی معناداری را در حوزه‌ی ارتقاء اقدامات پیشگیری اجتماعی از جرم ایفاء می‌نماید. هرچند تأثیر معنادار اقدامات عدالت ترمیمی در حوزه‌ی پلیس بر پیشگیری اجتماعی از جرایم با ضریب بالای همبستگی مثبت، مورد تأیید قرار گرفت، نکته مهم‌تر، تأثیر قابل ملاحظه و بالای اقدامات ترمیمی پلیس بر اعتمادسازی و در ادامه مسیر تأثیر، تأثیر غیر مستقیم اقدامات ترمیمی از طریق اعتمادسازی بر پیشگیری اجتماعی از جرم است، که با ایجاد هم‌افزایی تأثیر اقدامات ترمیمی و اعتمادسازی، شدت تأثیر بر پیشگیری اجتماعی از جرم به به 79 درصد می‌رسد و این حاکی از اهمیت متغیر میانجی اعتماد، به پلیس در ایجاد این هم‌افزایی است. بنابراین اگر بتوان مؤلفه‌های اجماع در مشارکت، بهبود روابط، مسئولیت بزهکار، هماهنگی ذی‌نفعان و تقویت جامعه‌ی محلی را در لایه-های اجرایی پلیس به ویژه کوپ‌ها ترمیم و توسعه داد و همزمان شاخص‌های اعتماد به پلیس را در محیط مأموریت سازمانی ارتقاء داد، می‌توان شدت تأثیر مستقیم و غیرمستقیم اقدامات ترمیمی پلیس بر پیشگیری اجتماعی از جرم را افزایش داد.

به‌طور کلی مهم‌ترین یافته‌ی حاصل از این مطالعه به نتایجی که از تبیین فرضیه‌های پژوهش به‌دست آمده است برمی‌گردد. در سازمان‌هایی نظیر پلیس که تمرکز بیشتر بر جلب نظر و ادراک مثبت ذی‌نفعان از عملکرد پلیس می‌باشد. بحث

1- Morris & Maxwell

2- Murdocca

3- Robinson & Shapland

4- Rodriguez

5- Helen Bowen

اعتمادسازی و توجه به مؤلفه‌های ایجادکننده و افزایش‌دهنده‌ی آن می‌تواند سازمان را در محیط متلاطم و چالشی امروزی، در مسیر تحقق اهداف و رسالت آن یاری نماید. یک نکته مهم دیگر در یافته‌های این پژوهش این است که، عده‌ای از پاسخ‌گویان در قسمت بیان آزاد مطالب در پاسخ‌نامه، بر این عقیده بودند؛ که هرچند برخی از سازمان‌ها علی‌رغم داشتن محیط بی‌اعتمادی در درون و بیرون سازمان به اهدافی که برایشان ترسیم شده دست پیدا می‌کنند؛ اما تحقق کیفی و در حد انتظار پیشگیری اجتماعی ناشی از اقدامات پلیس با رویکرد و در محور عدالت ترمیمی، بیش از آنچه به مؤلفه‌های سازمانی بستگی داشته باشد، در گرو تحقق اعتمادسازی پلیس می‌باشد. به هر حال نتیجه‌ی کلی این مطالعه، حکایت از تأیید فرضیه‌های تحقیق مبنی بر وجود رابطه‌ی مثبت و مستقیم اقدامات ترمیمی پلیس و غیرمستقیم از طریق اعتمادسازی بر پیشگیری اجتماعی از جرم دارد و در این راستا اعتماد مبنی بر اطمینان به عنوان یکی از ابعاد اعتمادسازی که در این مطالعه مورد بررسی قرار گرفته است از اولویت بالاتری برخوردار است.

پیشنهادها

با توجه به پذیرش وجود رابطه علی بین اقدامات ترمیمی پلیس و اعتمادسازی با پیشگیری اجتماعی از جرم، پیشنهادهای برخاسته از نتایج تحقیق به منظور بهبود سطح اقدامات ترمیمی و اعتمادسازی پلیس ارائه می‌گردد، تا بتوان سطح اقدامات پلیس در پیشگیری اجتماعی از جرم را افزایش و بهبود بخشید:

- با توجه به تأثیر اقدامات ترمیمی بر پیشگیری اجتماعی از جرم، مدیران اجرایی پلیس از جمله روسای کلانتری‌ها و مسئولین دوائر اجتماعی از بین کسانی انتخاب گردند که قدرت هماهنگ‌کنندگی و تقویت مشارکت ذی-نفعان در موضوع عدالت ترمیمی را داشته باشند؛
- بازنگری در ساختار دوائر مشاوره و مددکاری اجتماعی در جهت ایجاد زمینه‌ها و بسترهای لازم جهت افزایش دانش، مهارت، زیرساخت‌های فناورانه و امکان بهره‌گیری مناسب از ظرفیت‌های جامعه محلی در برنامه-های میانجی‌گری در کلانتری‌ها؛

- با توجه به تأثیر مستقیم و غیرمستقیم اعتماد بر پیشگیری اجتماعی از جرم، نسبت به تقویت مؤلفه‌های اعتماد سازمانی از جمله صداقت، درستکاری و انجام به موقع امور مردم، اقدام گردد؛
- مؤلفه‌ها و شاخص‌های اقدامات ترمیمی پلیس در پیشگیری اجتماعی از جرم با نگاه کل‌نگرانه، همسو با همه مؤلفه‌ها و شاخص‌های اعتمادسازی تقویت و شاخص‌های ارزیابی کمی و کیفی مناسب برای توسعه آن طراحی و مستمرا ارزیابی شود.



- بیات، بهرام؛ شرافتی‌پور، جعفر و عبدی، نرگس (1387). پیشگیری از جرم با رویکرد اجتماع محور. تهران: معاونت اجتماعی ناجا.
- ترابزاده جهرمی، محمد صادق و سجادیه، علیرضا (1390). گونه‌شناسی نظریات عدالت ترمیمی مبتنی بر ابعاد فلسفی؛ در تبیین ماهیت و مفهومی عدالت. دوفصلنامه علمی - تخصصی مطالعات اقتصاد اسلامی، سال سوم.
- جانسون، لوییز (1379). حرفه مددکاری اجتماعی از دیدگاه جامع. ترجمه محمد حسین بازرگان.
- درویشی، هویدا (1388). شیوه‌های جایگزین حل و فصل اختلاف. نشر میزان، چاپ اول.
- رحیمی‌نژاد، اسماعیل؛ آفایاری، مهدی و قلی‌پور، غلامرضا (1394). نظریه‌ی خنثی‌سازی جرم و ارتباط آن با عدالت ترمیمی. فصل‌نامه‌ی حقوق کیفری، سال سوم شماره یازدهم، صص 85-112.
- شیری، عباس (1385). پارادایم‌های عدالت کیفری: عدالت سزادهنده و عدالت ترمیمی. مجله دانشکده حقوق و علوم اسلامی، شماره 74. زمستان، صص 213-246.
- صفاری نیا، مجید؛ شریف، نسیم (1389). ساخت و بررسی ویژگی‌های روانسنجی پرسشنامه اعتماد اجتماعی. فصلنامه پژوهش‌های روانشناسی اجتماعی، 3(11)، صص 47-58.
- صبحی، رحمان (1393). رویکرد عدالت ترمیمی در پیشگیری از تکرار جرایم ناشی از نفرت. فصل‌نامه‌ی مطالعات پیشگیری از جرم، سال دهم شماره 33، صص 107-122.
- عباسی، مصطفی (1385). افق‌های نوین عدالت ترمیمی (میانجی‌گری کیفری). نشر دانشور، چاپ اول.
- غلامی، حسین (1385). عدالت ترمیمی، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت.
- غلامی، حسین (1383). تازه‌های علوم جنایی، (نکوداشت نام استاد دکتر محمد آشوری)، تهران: چاپ اول، انتشارات سمت، پاییز.
- قندی، محسن (1380). مددکاری اجتماعی. چاپ دوم، تهران: عطایی.
- معمارزاده، غلامرضا و خدایی محمودی، رضا (1388). طراحی الگوی عدالت سازمانی-اثربخش برای سازمان‌های دولتی ایران. مجله پژوهش‌های مدیریت. واحد علوم و تحقیقات شماره 82، پاییز، صص 49-65.
- مقدسی، محمدباقر؛ میرزایی، محمد و غنی، کیوان (1397). برنامه‌های ترمیمی پلیس با تکیه بر قانون آیین دادرسی کیفری و رویه‌ی عملی پلیس ایران. پژوهش‌نامه‌ی حقوق کیفری، سال نهم شماره اول، شماره‌ی پیاپی 17. صص 17-214.

- موريس، آيسون و ماكسول، گابریل (1382). عدالت ترمیمی؛ الگوی جدید تفکر در امور کیفری. ترجمه حسین غلامی، مجله پژوهش حقوق و سیاست، شماره 9، تابستان، صص 183-204.
- نجفی ابرنآبادی، علی حسین (1387). مباحثی در علوم جنایی (تقریرات). ویراست پنجم به کوشش شهرام ابراهیمی.
- Alvani SM, Danaeifar H. (2001). Trust and the effects of confidence in the organization. *Management Knowledge*;14(55):5-28. (In Persian).
- Avatefimonfared E, Mehdad A, Mirjafari SA.(2012). The relationship between ethical leadership, psychological healthy workplace and organizational trust. *Ethics in Science and Technology*; 7(3),1-9. (In Persian).
- Bagheri M, Tavallaee R. (2011). The effect of organizational commitment on organizational performance. *The Journal of Police Human Development*; 7(30): 73-96. (In Persian).
- Crawford, A. (2007), *Crime Prevention and Community Safety*, the Oxford Handbook of Criminology, 4th Edition, New York, Oxford University Press.
- Ivari, Juhani;(2002). "Victim-offender mediation-an addition or nothing but a rubbish bin in reiation to legal proceedings?" National research and Development for welfare and Health. Finland March 2002[Online]: http://www.Restpratove.kistoce/prg/as/listing_summary.usp.
- Murdocca,C.(2009), From Incarceration to Restoration, *Social Legal Studies*, 18(1):23-45.
- Danayeifard H, Rajabzadeh A, Hasiri A. (2009).Promoting organizational trust in the government section. *Management Researches*; 2(4): 59-90. (In Persian).
- Faramarz Gharamaleki A. (2009). The fundamental of professional ethics promoting at the university. *The Journal of Research Ethics*; 3:9-24. (In Persian).
- Nugent & Poaddock ;(1995) " The Effect of victim Offender Mediation on Severity of Reoffencing" v. s. *Mediation Quarteny* . vol12.
- Robbins. S. P, (2005),*Essentials of organizational Behavior*, Prentice Hall, 7/e.
- Rodriguez, N. (2007), *Restorative Justice at Work: Examining the Impact of Restorative Justice Resolutions on Juvenile Recidivism, Crime & Delinquency*, 53:355-379.
- Robinson, G., & Shapland, J. (2008), *Reducing Recidivism, A Take for Restorative Justice ?*, *British Journal of Criminolojy*, 48:337-358.
- Schneider A .(1998) "Restintion Rate for hrvenile Offenders: Results from four Experimental studies. *Criminology*, vol 2H PP 533-552.
- Umbreit, Coates & Vos.(2001)"The Impact of Victim offender mediation; two decades of research" *journal of Federal Probation* VOI 65 No 3 December 2001,p.9.